



ملاله یوسف زی



www.ketab.ir

سرشناسه

براون، دینا

Brown, Dinah

عنوان و نام پدیدآور

ملاله یوسف‌زی / نویسنده دینا براون؛ تصویرگر آندرو تامسون؛
مترجم محمدرضا افضلی.

مشخصات نشر

تهران؛ شرکت انتشارات فنی ایران، کتاب‌های نردبان، ۱۴۰۰.

مشخصات ظاهری

۱۱۲ ص، ۱۴/۵×۲۱/۵ س.م.

فروست

کی؟ چی؟ کجا؟

شابک

978-600-477-786-5

یادداشت

عنوان اصلی: Who is Malala Yousafzai?

موضوع

یوسف‌زی، ملاله، ۱۹۹۷ - م. - داستان

موضوع

دختران - پاکستان - آموزش و پرورش - ادبیات کودکان و نوجوانان

موضوع

دختران - پاکستان - خشونت علیه - ادبیات کودکان و نوجوانان

موضوع

زنان اصلاح‌طلب - پاکستان - سرگذشت‌نامه - ادبیات کودکان و نوجوانان

شناسه افزوده

افضلی، محمدرضا، ۱۳۳۱ - مترجم

رده بندی کنگره

LC۲۳۳۰

رده بندی دیویی

۸۲۲۰۹۵۹/۳۷۱[ج]

شماره کتابشناسی ملی

۸۷۲۰۶۸۷



شرکت
انتشارات
فنی ایران

کتاب‌های
نردبان

ملاله یوسف‌زی

نردبان بنفش - عمومی | کی؟ چی؟ کجا؟ | کد کتاب ۲۲۹۱

نویسنده دینا براون Dinah Brown

تصویرگر آندرو تامسون Andrew Thomson

مترجم محمدرضا افضلی

ویراستار سیدرضا کربوبی

مدیر هنری کیانوش غریب‌پور

صفحه‌آرا فاطمه هراتی

طراح جلد حامد زاهد

چاپ دوم ۱۴۰۳، ۲۰۰۰ نسخه | چاپ اندیشه برتر

حقوق چاپ و نشر این اثر متعلق به شرکت انتشارات فنی ایران است.

میرعماد، شماره ۲۴، تهران ۱۵۸۷۷۳۶۵۱۱ ☎ ۰۲۱-۵۴۹۵۹.۸۸۵-۵۰۵۵

info@entesharat.com entesharat.com

@nardebanbooks nardebanbooks

کاغذ این کتاب از جنگل‌های
صنعتی مدیریت شده
تهیه شده است.



©



ملاله یوسفزی

دینا براون

تصویرگر: آندرو تامسون

مترجم: محمدرضا افضلی



فهرست

فصل ۱
دختری به دنیا می‌آید | ۱۳



فصل ۲
نوزادی با دوبال | ۲۴



فصل ۳
دو خاله مینگوره | ۳۲



فصل ۴
دوران خط‌نویسی | ۴۲



فصل ۵
یادداشت‌های پنهانی | ۵۳



فصل ۶
«ملاله کیست؟» | ۷۰



فصل ۷
من فقط می‌خواهم درس بخوانم | ۷۹



فصل ۸
هر روز، هر صبح، هر دختربچه | ۸۵



فصل ۹
دختری بایک کتاب | ۹۷



سیرتاریخی زندگی ملاله یوسف‌زی | ۱۰۸

سیرتاریخی جهان | ۱۰۹

وقتی ملاله یوسف زی هنوز دختر کوچکی بود که در شهر مینگوره،
واقع در پاکستان، زندگی می کرد، تصمیم گرفت وقتی بزرگ شد،
پزشک شود. او می دانست که باید سال های بسیاری به مدرسه
برود و با جدیت درس بخواند. اما ملاله
به این سختی ها اصلاً اهمیت نمی داد.

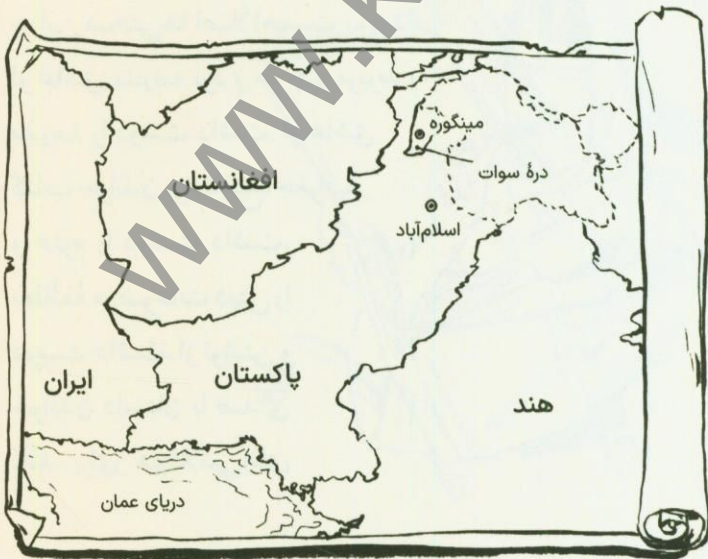


او عاشق مدرسه بود و هر چیز مربوط به
مدرسه را دوست داشت. او عاشق
کتاب خواندن بود. تاریخ، جغرافیا،
و علوم را دوست داشت.

مطالعه موضوعات دینی را
دوست داشت. از نوشتن و
خواندن داستان با صدای
بلند برای هم کلاسی های

خود لذت می برد. هنگامی که معلم ملاله درباره چیز جدیدی حرف می زد، ملاله می خواست هرچه زودتر درباره آن چیز جدید مطالب بیشتری بیاموزد. امتحان ها سخت بود، اما سرگرم کننده هم بود؛ به ویژه برای ملاله که خوب درس خوانده بود و جواب سؤالات را می دانست.

اما هنگامی که ملاله ده سال داشت، زندگی او تغییر کرد. در شهر مینگوره، که محل زندگی ملاله بود، جنگ شروع شد. گروهی از جنگجویان خشن که طالبان نام داشتند، دره سوات را تصرف کردند. ملاله این دره زیبا را خیلی دوست داشت. طالبان گفته بودند که به زودی دخترها دیگر نباید به مدرسه بروند. پسرها می توانستند به مدرسه بروند. فقط دخترها نمی توانستند.



طالبان خراب کردن مدرسه‌های دخترانه را شروع کردند. ارتش پاکستان برای جلوگیری از خراب کردن مدرسه‌ها وارد مینگوره شد. مینگوره به منطقه جنگی تبدیل شد. اوضاع بسیار خطرناک بود. مردم جرئت نداشتند از خانه بیرون بروند.

ملاله از خود می‌پرسید چگونه می‌تواند پزشک بشود، وقتی اجازه ندارد درس بخواند. آرزو داشت می‌توانست کاری انجام دهد تا مدرسه‌اش باز بماند. بسیاری از مدرسه‌ها بسته شده

بودند و تعداد بسیار کمی از

دانش‌آموزان جرئت می‌کردند

به مدرسه‌هایی بروند که هنوز

بسته نشده بودند. اما ملاله

هر روز به مدرسه

می‌رفت.



ملاله نمی‌ترسید و آشکارا اعتراض می‌کرد. او به روزنامه‌های محلی گفت که نگران است طالبان مدرسه‌اش را ببندند. او برای آن‌ها شرح داد که زندگی‌اش چقدر ترسناک شده است. او می‌گفت بیش از هر چیز، می‌خواهد به مدرسه برود.

ملاله داشت معروف می‌شد. مردم درباره‌ او حرف می‌زدند. بعضی از جنگجویان طالبان نام او را به خاطر سپردند و تصمیم گرفتند از او انتقام بگیرند. روز ۹ اکتبر سال ۲۰۱۲، دو نفر از جنگجویان طالبان مینی‌بوس مدرسه ملاله را متوقف کردند. یکی از آن‌ها به عقب مینی‌بوس رفت و داخل آن را نگاه کرد. سپس به ملاله تیراندازی کرد.

ملاله یوسف‌زی شانس آورد که زنده ماند. او را به بیمارستان منتقل کردند و بهبود یافت.

فکر می‌کنید دست از اعتراض برداشت؟

ملاله به اعتراض خود ادامه داد.

هنگامی که حالش بهتر شد، به این فکر افتاد که باید کاری انجام دهد تا همه کودکان حق تحصیل داشته باشند. اما هرگز از یادگیری، مطالعه و رفتن به مدرسه دست نکشید.

روز ۱۲ ژوئیه سال ۲۰۱۳ در مجمع جوانان سازمان ملل متحد برای صدها نفر سخنرانی کرد. «من این جا، در برابر شما، دختری هستم از میان دختران بسیار؛ فقط از طرف خودم سخن نمی‌گویم،

بلکه حرف همه دخترها و پسرها را به گوش شما می‌رسانم. من
صدایم را بلند می‌کنم؛ نه برای این‌که فریاد بزنم، بلکه می‌خواهم
صدای کسانی را به گوش شما برسانم که فرصتی برای حرف زدن
پیدا نمی‌کنند.»



ملاله یوسف‌زی یک خواسته داشت؛ درس خواندن. او بلند و صریح حرف زد و مردم صدایش را شنیدند. اوضاع به تدریج شروع به تغییر کرد، تا جایی که همه مردم جهان حرف‌هایش را شنیدند.

www.ketab.ir